

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فلسفه و جایگاه تربیت بدنی

ابوالفضل گودرزی

کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی

مقدمه

تربیت بدنی و تعلیم و تربیت را بیان می‌کند (تربیت بدنی به‌عنوان ابزاری در خدمت تعلیم و تربیت است و ارتباط دو سویه دارند؛ به‌طوری‌که تقویت هر یک می‌تواند در رشد و توسعه دیگری نقش داشته باشد) [اوست و بوچر، ۱۳۸۱؛ مظفری و پورسلطانی زرندی، ۱۳۸۶].

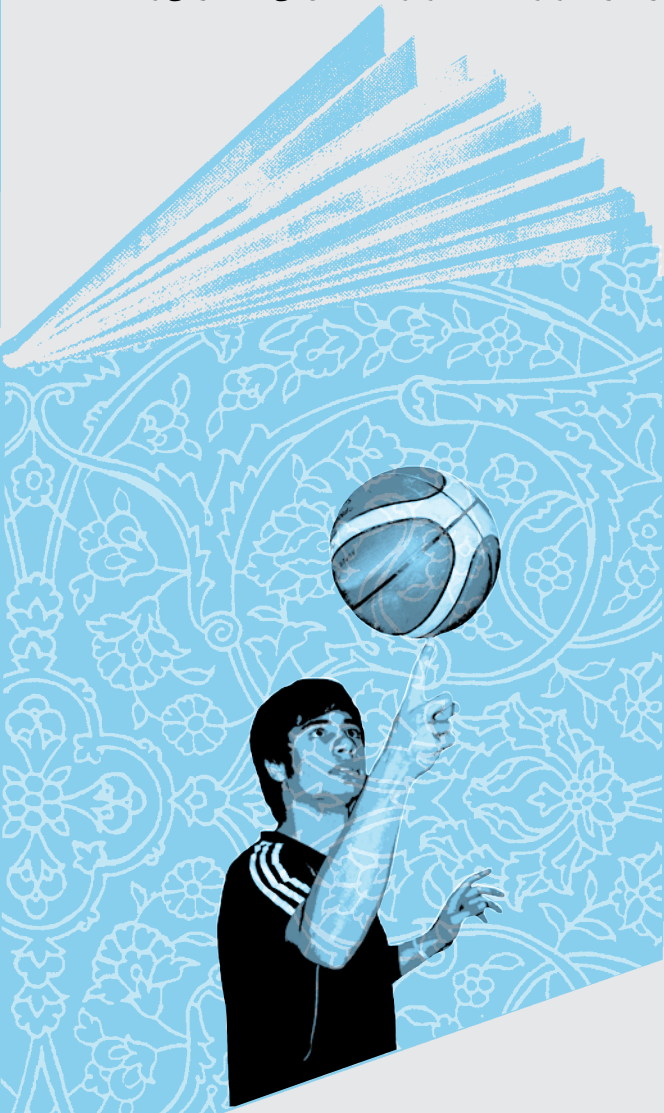
اهداف اختصاصی تربیت بدنی از نظر اسلام شامل تربیت ابعاد اعتقادی، اخلاقی، جسمانی و مهارتی، عضلانی، عاطفی و اجتماعی است که نشانگر توجه اسلام به ابعاد مختلف وجودی انسان است. دین مبین اسلام، ورزش و تربیت بدنی را ابزاری برای تربیت و توسعه ابعاد وجودی انسان می‌داند [آذربانی و

عقاید چه درست و چه غلط دارای فلسفه‌ای هستند و فلسفه مقدم بر آرمان‌ها و اهداف است. اهداف بر پایه ارزش‌ها شکل می‌گیرند و این فلسفه است که متغیرهای ارزش‌ها را تعیین می‌کند [مظفری و پورسلطانی زرندی، ۱۳۸۶]. برنامه‌ها نیز با الهام از ارزش‌های هر ایدئولوژی و فلسفه وجودی آن طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند. از سوی دیگر، «فلسفه» و «تعلیم و تربیت» رابطه تنگاتنگی با هم دارند، به‌طوری‌که مسائل تعلیم و تربیت تحت نفوذ فلسفه هستند [اوست و بوچر، ۱۳۸۱؛ مظفری و پورسلطانی زرندی، ۱۳۸۶]. امروزه اگر چه انسان می‌تواند پیوسته رکوردهای جدیدی را در ورزش‌های گوناگون جابه‌جا کند و موفقیت‌های زیادی در آن به‌دست آورد، ولی به‌دلیل غرق شدن در مادی‌گرایی و زرق و برق دنیوی آن، در هم‌گامی با مفهوم چرایی آن عاجز است: «چرا این‌گونه فعالیت‌ها انجام می‌گیرند؟ سرانجام فعالیت‌ها کجاست؟ این‌گونه سؤالات در برگیرنده سطح وسیعی از روش‌ها، دستورالعمل‌ها، محتوای برنامه آموزشی و حتی نوع رابطه معلم - دانش‌آموز است [مظفری و پورسلطانی زرندی، ۱۳۸۶]. بنابراین وجود یک فلسفه درست و کامل برای تربیت بدنی در نظام تعلیم و تربیت کشور ضروری است و تعیین‌کننده جهت و مسیر راهبردها، اهداف و برنامه‌های تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور خواهد بود. به‌عبارت دیگر، این فلسفه و اصول و مبانی تربیت بدنی و درک درست آن است که سند تحول بنیادین در حیطه تربیت بدنی بر اساس آن به طراحی چشم‌اندازها و تدوین اهداف کلی و جزئی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه تعلیم و تربیت، سند تحول بنیادین، تربیت بدنی از دیدگاه اسلام، اهداف تربیت بدنی

سند تحول بنیادین، فلسفه و جایگاه تربیت بدنی

فلسفه تربیت بدنی ضمن هدایت اعمال فرد و راهنمایی متخصصان (برنامه‌ریزان، مدیران و معلمان تربیت بدنی) و آگاه‌سازی جامعه از ارزش‌های تربیت بدنی، ارتباط بین



اهداف اختصاصی تربیت بدنی از نظر اسلام شامل تربیت ابعاد اعتقادی، اخلاقی، جسمانی و مهارتی، عضلانی، عاطفی و اجتماعی است که نشانگر توجه اسلام به ابعاد مختلف وجودی انسان است

در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش توجه ویژه و خاصی به تربیت بدنی شده و از آن به‌عنوان ابزاری مهم برای تعلیم و تربیت یاد شده است. بی‌شک اگر به‌درستی از این ابزار مهم و جذاب استفاده کنیم، ثمرات مطلوبی خواهد داشت. ولی قدم نهادن در این مسیر با توجه به حساسیت‌ها و ویژگی‌های خاص ورزش و جذابیت بسیار زیاد آن برای اقشار مختلف جامعه بالاخص دانش‌آموزان و از سوی دیگر، ناشناخته‌بودن فلسفه وجودی آن حتی برای بسیاری از متخصصان تربیت بدنی (برنامه‌ریزان، مدیران، معلمان و مربیان)، ممکن است خواسته یا ناخواسته برنامه‌های طرح‌ریزی شده برای رسیدن به سند چشم‌انداز را دچار انحراف کند و به ورطه‌های خطرناک سکولاریستی و مادی‌گرایی سوق دهد.

برنامه‌ها و اهداف خردی که در پرتوی برنامه‌های کلان طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند، زمینه و سمت و سوی اجرای برنامه اصلی را نشان می‌دهند. به‌عبارت دیگر، شالوده و طرح کلی برنامه راهبردی آینده، توسط همین برنامه‌ها معین می‌شود و ریل‌گذاری اجرای برنامه راهبردی در مهم‌ترین ارگان آموزشی و تربیتی کشور، تحت عنوان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، توسط همین برنامه‌ها صورت خواهد گرفت. آنچه در کتاب «۲۹۰ اقدام برای تحول بنیادین در آموزش و پرورش» آمده، بخشی از این برنامه‌ها و اقداماتی است که برای اجرای مقدماتی سند تحول بنیادین صورت گرفته و بخشی از آن به تربیت بدنی و ورزش آموزش و پرورش اختصاص دارد. در این کتاب شرح مختصری از اقدامات انجام شده برای آغاز اجرای برنامه راهبردی نظام تعلیم و تربیت کشور آمده که در خور توجه و اهتمام است. علی‌رغم اجرای برخی برنامه‌های بسیار ارزنده و نوآورانه در این حیطه، مانند طرح سباح و طناب‌ورزی، ساخت فضاهای ورزشی، افزایش معلمان ورزش و... که در جای خود نیاز جدی به نقد و کنکاش عالمانه دارد، بعضی از برنامه‌های اجرا شده سببی شتابان به‌سوی مادی‌گرایی و سقوط در ورطه سکولاریستی دارند. ادامه این روند در مهم‌ترین بخش نظام تعلیم و تربیت کشور بسیار خطرناک و آسیب‌زا است.

دغدغه اصلی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در خصوص اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش کشور،



کلاتری، ۱۳۸۴؛

مظفری و پورسلطانی

زندی، ۱۳۸۶.]

در مقابل فلسفه غنی و عقلایی شریعت اسلام، اندیشه‌ها و مکاتب نو ظهوری که توسط کارتل‌های ثروت و قدرت جهان تبلیغ و توسعه داده می‌شوند و بیشتر به جنبه‌های فردی و مادی زندگی بشری توجه و تکیه دارند و به‌سرعت در حال گسترش و نفوذ در ابعاد گوناگون زندگی بشر هستند، انسان را بیشتر و بیشتر در مادی‌گرایی غرق می‌کنند. تربیت بدنی و ورزش هم از این قاعده مستثنا نبوده، بلکه در برخی مواقع شتاب بیشتری به‌سوی مادی‌گرایی و سکولاریسم داشته است و چنان در ورطه‌های شیطانی آن گرفتار شده که حتی توانسته است در نظام تعلیم و تربیت نفوذ کند. حتی گاه جایگزین اعتقادات و اندیشه‌های دینی جامعه شده است.

اکنون که وزارت آموزش و پرورش در پی اجرای برنامه راهبردی و سند چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت نسل آینده این مرزوبوم است، ضرورت دارد متفکران، اندیشمندان و برنامه‌ریزان در حیطه تربیت بدنی به این مهم توجه ویژه داشته باشند تا در این راه مه‌آلود، دچار انحراف و خروج از مسیر اصلی تعالی و اسلام عزیز نشوند.

در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش توجه ویژه و خاصی به تربیت بدنی شده و از آن به‌عنوان ابزاری مهم برای تعلیم و تربیت یاد شده است

ولی نباید به وظیفه اصلی و اهداف چشم‌انداز تبدیل شود. این موضوع را اگر فقط از منظر میزان تخصیص بودجه برای رسیدن به اهداف و برنامه‌های ذکر شده در کتاب ۲۹۰ اقدام برای اجرای سند تحول بنیادین مورد کنکاش قرار دهیم، بسیار روشنگر خواهد بود چه میزان برای دستیابی به اهداف تربیتی و پرورشی تربیت بدنی و ورزش همگانی و سلامت دانش‌آموزان هزینه شده است (هزینه‌ها شامل: مالی، امکانات، نیروی انسانی و وقت) و چه میزان هزینه برای برگزاری مسابقات به اعتقاد برخی استعدادیابی ورزشی هزینه شده است. اینکه برای تقویت ورزش قهرمانی و کشف استعدادها باید از ورزش همگانی و ورزش مدارس شروع کرد، شکی نیست، ولی نباید به این معنا باشد که تربیت بدنی مدارس (تعلیم و تربیت با فعالیت‌های حرکتی) را قربانی ورزش قهرمانی کرد که هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ شرعی خارج از اشکال نیست. بلکه باید در چارچوب مدرسه و خارج از وقت به اصطلاح زنگ تربیت بدنی مدارس به این مهم پرداخت می‌توان معلمان و دبیران ورزش را ترغیب کرد در ساعات فوق برنامه و در وقت جداگانه به کشف استعدادها و ورزشی و معرفی آن‌ها به مراکز پرورش قهرمان بپردازند.

هر پدیده‌ای از جمله ورزش به‌خودی خود فاقد ارزش است. این نیت، هدف و جهت حرکت پدیده است که به آن ارزش می‌دهد یا آن را ضد ارزش می‌سازد. به عبارت دیگر، «ورزش برای ورزش و علم برای علم، ریشه در فساد دارد. این یعنی مردن و بی‌روح شدن. اگر هدفی در این کار آمد، همه این‌ها زنده می‌شود.» در واقع در آیین‌های بخش اسلام نوع و شکل ورزش مسئله نیست، بلکه مسئله هدف و جهت‌گیری ورزش است. «ورزش هم مثل همه چیز در اسلام باید به سوی الله باشد» [آذربانی و کلانتری، ۱۳۸۴].

همچنین ثمره خون شهدا و زحمات طاقت‌فرسای اندیشمندان بزرگی همچون شهیدان این راه و دیگرانی که هم‌اکنون تلاش می‌کنند، این است که فلسفه تربیتی اسلام بر ارکان تعلیم و تربیت کشور حاکم و با اندیشه‌های شیطان‌ی ماتریالیستی و سکولاریستی مبارزه شود. با این همه در طرح‌ریزی برخی از برنامه‌های اجرا شده یا جاری معاونت تربیت بدنی این وزارتخانه، ردپایی از اندیشه‌های ماتریالیستی و سکولاریستی دیده می‌شود که این لغزش در هر حال ناپسند و غیرقابل قبول است. ضرورت دارد مسئولان امر به شدت مراقب این مهم باشند. این مسیر سقوط در ورطه اندیشه‌های سکولاریستی و ماتریالیستی در طرح‌ها و برنامه‌های در دست اجرا را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

● اهتمام بیش از حد به رقابت‌های ورزشی و پررنگ کردن ماهیت رقابت و برنده شدن بین دانش‌آموزان: این موضوع تربیت بدنی آموزش و پرورش را از اهداف اصلی آن که تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با ابزار حرکت و فعالیت ورزشی است، دور می‌کند و سبب سقوط آن در گرداب مادی‌گرایی و سکولاریسم خواهد شد. توجه ویژه به برنده شدن و استعدادهای فیزیولوژیکی و بی‌توجهی به تمایلات فردی، کمال و فضایل انسانی از ویژگی‌های مکاتب غیر الهی ماتریالیستی است که همه چیز را در برنده شدن به هر قیمتی و رسیدن به سود می‌دانند [آذربانی و کلانتری، ۱۳۸۴].

● توجه ویژه به ورزش‌های قهرمانی: برگزاری لیگ‌های دانش‌آموزی و المپیک دانش‌آموزی و... و استعدادیابی و پرورش استعدادهای ورزشی در رشته‌های گوناگون، مسلماً معلمان تربیت بدنی مدارس را از اهداف اصلی آن‌ها که همان معلم تربیت بدنی بودن است و نه معلم ورزش بودن (در تعریف تربیت بدنی و ورزش تفاوت‌های زیادی وجودی دارد که در این نوشتار جای بحث آن نیست) دور خواهد کرد. چرا که وظیفه وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی پرداختن به ورزش قهرمانی و کشف و پرورش استعدادهای ورزشی است، نه مدرسه و معلم تربیت بدنی که وظیفه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان را بر عهده دارند. کسب مدال و افتخار ورزشی برای کشور، استان، شهر و مدرسه گرچه تا حدی می‌تواند مفید باشد، ولی وظیفه معلم تربیت بدنی و دانش‌آموزانش نیست.

البته کمک و همراهی تربیت بدنی آموزش و پرورش برای استعدادیابی در رشته‌های ورزشی بسیار ضروری و ارزشمند است،

- منبع
۱. آذربانی، احمد و کلانتری، رضا. اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش. انتشارات آبیژ. چاپ اول. ۱۳۸۴.
 ۲. وست‌دبور، آ. و بوچر، چالز آ. مبانی تربیت بدنی و ورزش. ترجمه احمد آزاد. مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور. چاپ سوم. ۱۳۸۱.
 ۳. مظفری، امیر احمد و پور سلطانی زرنندی، حسین. اصول و فلسفه تربیت بدنی. انتشارات بامداد کتاب. چاپ دوم. ۱۳۸۶.
 ۴. ۲۹۰ اقدام برای تحول بنیادین در وزارت آموزش و پرورش ابتدای دولت دهم تا فروردین ۱۳۹۱. روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش. چاپ اول. ۱۳۹۱.
 ۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش. چاپ اول. ۱۳۹۱.